

# سرنوشت و واقعه دوم خرداد

۱. هرگاه واقعه یا تحولی در ایران به وقوع بپیوندد، به ویژه اگر این تحول در حوزه سیاست باشد، این پرسش برای بسیاری از فعالان سیاسی و مردم کردستان پیش می‌آید که تحول و رویداد به وقوع پیوسته، آیا موجب تغییر در شرایط و موقعیت کردها در ایران می‌شود؟ آیا نگرش حاکمیت نسبت به کردها تغییر می‌کند؟

«دوم خرداد» یکی از تحولاتی است که در سال‌های اخیر به شکل یک واقعه مهم متجلی گردید و سهم کردها نیز در شکل‌گیری این رخداد برجسته بود. مردم کردستان در انتخابات دوم خرداد در حد قابل توجهی به پای صندوق‌های رأی آمدند و با دادن رأی خویش به سید محمد خاتمی، همدلی و همراهی عظیمی را با مردم ایران از خود به نمایش گذاشتند. بعدها در انتخابات دور اول شوراها، مجلس ششم و ریاست جمهوری، همچنان شاهد حضور گسترده مردم و اقبال نسبت به اصلاح‌طلبان بودیم. پرسشی که بلافاصله خودنمایی می‌کند این است که آیا به همان نسبت سهم در شکل‌گیری دوم خرداد، از مزایای آن بهره‌مند گشته‌اند؟ به عبارت دیگر آیا بعد از دوم خرداد، تغییری در سیاست برنامه و نگرش‌های حکومت نسبت به کردستان به وجود آمده است؟

برای پاسخ به پرسش فوق، قبل از هر چیز باید بازگشتی اجمالی به واقعه‌ی دوم خرداد داشته باشیم و به تشریح چگونگی و چرایی وقوع آن بپردازیم. حسین بشیریه بر این باور است که در دهه ۱۳۷۰ طبقه فعال سیاسی جدیدی پدید آمده است که خواست‌های مشخص دموکراتیک دارد و از ایدئولوژی نسبتاً روشنی برخوردار است. این طبقه فعال طبقه متوسط جدید است که ویژگی اصلی آن را نه خواست‌های اقتصادی محض بلکه مطالبات فرهنگی، اجتماعی، ایدئولوژیک و سیاسی تشکیل می‌دهد که تحقق آنها نیازمند استقرار نهادهای دموکراتیک است.<sup>۱</sup> در همین زمینه پرویز پیران معتقد است واقعه دوم خرداد را باید در تشنگی جامعه برای گرایش به جامعه‌ای قانونمدار و جلوگیری از هرج و مرج اقتصادی و سوء استفاده در ابعاد و زمینه‌های گوناگون تحلیل کرد. به نظر سعید حجاریان پیام اصلی دوم خرداد که برای اولین بار «ماه خون» نشده است، خواست «جامعه محذوف» برای ورود به عرصه سیاسی و دولت بوده است.<sup>۲</sup>

هنگامی که از تأثیر دوم خرداد بر کردستان سخن به میان می‌آید، باید بین سه نوع از هویت کردی تمایز قایل شد:

الف - هویتی که بر مبنای جغرافیای سیاسی موجود شکل گرفته است. با توجه به این هویت، هرگاه به «کرد» یا «کردستان» اشاره شود، منظور کردهایی است که در ایران قرار دارند و «ر استان های کردستان، آذربایجان غربی، خراسان، کرمانشاه و ایلام ساکن هستند. عمده مردم و بسیاری از احزاب سیاسی از جمله حزب دموکرات کردستان و کومله، بر مبنای جغرافیای سیاسی موجود به هویت خود شکل داده‌اند و مطالبات آنها نیز با توجه به همین هویت مطرح می‌شود.

ب - هویتی که جغرافیای سیاسی را به رسمیت نمی‌شناسد و حوزه هویتی خویش را به تمام مناطق کردنشین جهان گسترش می‌دهد. دانشجویان، بخشی از نخبگان فکری و فرهنگی کرد، عمدتاً با توجه به این هویت به فعالیت می‌پردازند.

برای این دسته از کردها بیش از آن که جغرافیای سیاسی مهم باشد جغرافیای فرهنگی اهمیت دارد. این جغرافیای فرهنگی شامل مناطق کردنشین عراق، ترکیه، سوریه و ایران است، که با توجه به پیشرفت رسانه‌های الکترونیک، برقراری ارتباط میان مناطق مذکور گسترده‌تر شده است. این هویت که به ویژه پس از دستگیری عبدالله اوجلان به شکل بی‌سابقه‌ای رشد کرد، ابتدا بیشتر صبغه سیاسی داشت اما پس از این که «حزب کارگران کردستان ترکیه» فعالیت‌های خود را به کردستان ترکیه محدود کرد، اکنون بیشتر صبغه فرهنگی یافته است و به نوعی «ناسیونالیسم فرهنگی» جای سپرده است.

پ - هویت سوم که در واقع واکنشی است به افراطی‌گری‌های مذهبی حاکمیت، در تعریف هویت خویش، مذهب را بر قومیت اولویت می‌بخشد. بنیادهای شکل‌گیری این هویت، به فعالیت‌های

روشنفکرانه مرحوم مفتی زاده برمی گردد که قبل از انقلاب با روشنفکران دینی ایران مراوده و آشنایی داشت. پس از انقلاب نیز به گونه‌ای منظم و سیستماتیک به فعالیت سیاسی - فرهنگی پرداختند. مطالبات این گروه عمدتاً مذهبی است و برای رفع نابرابری‌های مذهبی تلاش می‌کنند. اگر چه این دسته به صورت سنتی با برخی از نیروهای ملی - مذهبی روابط حسنه‌ای دارند اما هر چه بر میزان و شدت نابرابری‌ها و تعصبات مذهبی افزوده می‌شود، نگاه به خارج نیز در میان این دسته بیشتر می‌شود تا آنجا که در اعیاد و مراسم مذهبی و دینی به مراکزی خارج از جغرافیای سیاسی روی می‌آورند.

۳- با توجه به مطالب فوق، حال به پرسش اصلی این نوشتار باز می‌گردیم که پس از دوم خرداد چه تغییری در کردستان پدیدار گشته است؟ تغییرات حاصله را در سه بخش اقتصادی، فرهنگی و سیاسی مورد بررسی قرار می‌دهیم:

الف - بخش اقتصادی: به دلایل متعدد مناطق کردنشین در ایران، از توسعه نیافته‌ترین مناطق ایران به شمار می‌آیند. بدیهی است در این نوشتار نمی‌توان به بررسی علل توسعه نیافتگی کردستان پرداخت و این که چرا مناطق کردنشین، چنین دچار توسعه نیافتگی گشته‌اند نوشتار مستقلی را می‌طلبد.



تعداد شاغلان کارگاه‌های بزرگ صنعتی استان کردستان در سال ۱۳۷۶ شامل ۴۳۰۷ نفر بوده است، این تعداد در کل کشور برابر با ۸۷۵۵۲۸ نفر می‌باشد، سهم استان از کل شاغلین در کارگاه‌های بزرگ صنعتی کل کشور ۰/۴۹ درصد می‌باشد.<sup>۲</sup> در سال ۱۳۷۹ تعداد شاغلان نه تنها افزایش نمی‌یابند بلکه با کاهش نیز روبه‌رو می‌شود. براساس سالنامه آماری استان کردستان (۱۳۸۰) تعداد شاغلان کارگاه‌های صنعتی ده نفر کارکن و بالا ۳۵۳۳ می‌باشد.<sup>۳</sup>

کل ارزش افزوده کارگاه‌های بزرگ صنعتی استان کردستان در سال ۱۳۷۶ برابر با ۹۶۶۶۱ میلیون ریال بوده است. ارزش افزوده کارگاه‌های بزرگ صنعتی کل کشور در سال ۱۳۷۶ معادل ۵۷۷۶۲۳۶۶ میلیون ریال می‌باشد. از مقایسه ارزش افزوده حاصل از تولیدات صنعتی کارگاه‌های بزرگ صنعتی استان کردستان با ارزش افزوده این گونه کارگاه‌ها در کل کشور مشاهده می‌شود که سهم استان کردستان برابر با ۰/۱۷ درصد می‌باشد.

کل ارزش افزوده فعالیت‌های صنعتی کارگاه‌های بزرگ صنعتی در سال ۱۳۷۹، برابر با ۱۶۲۲۵۳ میلیون بوده است.

یافته‌ها و آمارها در بخش اقتصاد بیان‌گر این نکته است که استان کردستان سهم ناچیزی در اقتصاد ملی داشته و بعد از دوم خرداد تغییر معنی‌داری در این زمینه مشاهده نمی‌شود. در سال ۱۳۷۹، استان کردستان با محصول ناخالص داخلی ۶۲۹۳/۸ میلیارد ریالی تنها ۰/۹۷ درصد از کل محصول ناخالص کشور را به خود اختصاص داده است. به طور کلی در ۷۵ درصد بخش‌های اقتصادی سهم ارزش افزوده استان در کل کشور زیر ۱/۵ درصد و در ۴۰ درصد بخش‌های اقتصادی این سهم زیر یک درصد می‌باشد. تولید ناخالص داخلی سرانه استان در سال ۱۳۷۹ معادل ۴/۳۶ میلیون ریال بوده که در مقایسه با رقم مشابه آن در سطح کشور (۱۰/۲ میلیون ریال) کمتر می‌باشد. در این استان ارزش افزوده رشته فعالیت اداره امور عمومی، دفاع و تأمین اجتماعی با ۱/۹۵ درصد بیشترین و رشته فعالیت معدن با ۰/۰۳ درصد کمترین سهم را در سطح ملی داشته است. در بخش‌های تولیدی کشاورزی، صنعت و ساختمان نیز استان کردستان به ترتیب ۱/۵۱ درصد، ۰/۴۷ و ۱/۰۸ درصد سهم ناچیزی از تولید و امور سرمایه‌گذاری‌های کشور را به خود اختصاص داده است. به طور کلی بخش خدمات با ۶۸/۵ درصد بیشترین سهم را از تولید ناخالص داخلی استان داشته است و پس از آن بخش‌های کشاورزی با ۱۷/۸ درصد و صنعت و معدن با ۱۳/۷ درصد تولید ناخالص داخلی استان سهیم بوده‌اند.<sup>۵</sup>

با توجه به این که یکی از مشکلات عمده استان کردستان بی‌کاری است فعالیت در بخش‌های معدن و صنعت می‌تواند در رفع این معضل مؤثر و کارساز باشد اما نگاهی اجمالی به آمارهای موجود در این زمینه نشان می‌دهد که فعالیت معدن در استان کمترین سهم را هم در سطح استان و

هم در سطح ملی داشته است. سهم ارزش افزوده استان از این فعالیت در سطح ملی ۰/۰۳ درصد و سهم ارزش افزوده کشور در سال ۱۳۷۹ معادل ۱۵/۳۴ درصد و ارزش افزوده استان ۷/۴ درصد بوده است و نشان می‌دهد که ساختار اقتصادی استان از بعد توسعه‌یافتگی با ساختار ملی تفاوت زیادی دارد.<sup>۶</sup>

مطالعات انجام شده در زمینه اندازه‌گیری و تحلیل خط فقر نیز نشان می‌دهد که وضعیت فقر در سال‌های اخیر بدتر شده است. سطح فقر در استان کردستان در سال‌های ۱۳۶۸، ۱۳۷۴ و ۱۳۷۸ به ترتیب در مناطق شهری معادل ۳۴/۲، ۴۸/۶ و ۴۸/۹ درصد و در مناطق روستایی به ترتیب ۵۴/۶، ۴۲ و ۵۷/۸ درصد بوده است. شدت فقر در مناطق روستایی بیشتر از مناطق شهری استان می‌باشد.<sup>۷</sup>

انواع راه‌های زیربوشش اداره کل راه و ترابری استان کردستان و سازمان جهاد کشاورزی از عقب‌ماندگی شدید استان کردستان و عدم تغییر چشم‌گیر در سال‌های اخیر حکایت می‌کند. استان کردستان در سال ۱۳۷۶ تنها ۳ کیلومتر راه اصلی چهار خطه داشته است و در سال ۱۳۸۰ نیز همچنان ۳ کیلومتر راه اصلی معمولی در سال ۱۳۷۵ کلاً ۲۸۵ کیلومتر بوده است، طول این راه‌ها به ۳۰۰/۵ کیلومتر در سال ۱۳۸۰ رسیده است. طول راه فرعی آسفالت‌ه عریض از ۳۸۵ کیلومتر در سال ۱۳۷۵ به ۳۹۰ کیلومتر در سال ۱۳۸۰ رسیده است یعنی هر سال یک کیلومتر به طول این راه‌ها اضافه شده است.<sup>۸</sup> این در حالی است که در سال‌های اخیر حدود ۵۷۰ کیلومتر آزاد راه جدید در ایران افتتاح شده است. آمارهای فوق نشان می‌دهد که سهم کردستان صفر بوده است. اگر بخواهیم طول آزادراه‌ها و راه‌های اصلی استان کردستان را با کل کشور مقایسه نمایم، متوجه خواهیم شد که نابرابری عظیمی در این زمینه به چشم می‌خورد: استان کردستان در سال ۱۳۷۸ تنها ۳ کیلومتر بزرگراه چهار خطه داشته است، در حالی که در کشور ۹۰۰ کیلومتر آزاد راه در همان سال وجود دارد، سهم استان کردستان از آزاد راه‌های کشور ۰/۴۱ درصد است؛ همچنین در سال ۱۳۷۸، در استان ۲۸۵ کیلومتر راه اصلی معمولی وجود داشته است که در مقایسه با راه‌های اصلی کشور که ۲۵۰۰۰ کیلومتر را شامل می‌گردد در حدود ۱/۱۴ درصد سهم استان از کل کشور می‌باشد.<sup>۹</sup>

همان طوری که قبلاً ذکر شد از تولید ناخالص داخلی استان بخش خدمات با ۲۸/۵ درصد بیشترین سهم را داشته است؛ پس از آن بخش‌های کشاورزی با ۱۷/۸ درصد و صنعت و معدن با ۱۳/۷ درصد در تولید ناخالص داخلی استان سهیم بوده‌اند. بالا بردن و گسترش نامناسب بخش خدمات یکی از معضلاتی است که گریبان‌گیر اقتصاد استان کردستان است. اگر چه گسترش خدمات در کشورهای توسعه‌یافته امری طبیعی به شمار می‌رود و اصولاً یکی از نشانه‌های توسعه یافتگی گسترش بخش خدمات است اما در شرایط عقب‌ماندگی اقتصادی که علی‌الاصول تقاضا

عمدتاً معطوف به کالا است، سهم وسیع خدمات، در حقیقت، نشان‌دهنده عدم تعادل‌های وسیع در اقتصاد و از جمله عدم تطابق گسترده عرضه و تقاضا است. این عدم تعادل‌ها از یک سو، اولین و مهم‌ترین منشاء ایجاد تورم است و از طرف دیگر امکان تشکیل سرمایه را شدیداً محدود می‌کند.<sup>۱۱</sup> نکته مثبتی که پس از دوم خرداد شاهد آن بودیم ارایه آمار صحیح از نرخ بیکاری بود. در سال ۱۳۷۵ میزان جمعیت فعال استان کردستان ۳۵۹۶۸۴ نفر بوده که ظاهراً از این میان ۳۲۷۳۲۷ نفر شاغل و ۳۲۳۵۷ نفر بی‌کار بوده‌اند، با این آمار نرخ بی‌کاری استان در این سال ۹ درصد اعلام شده است. نکته مثبت اینجا است که مسئولین پس از دوم خرداد آمار و فوق‌را ساختگی و نادرست اعلان کردند و طبق نمونه‌گیری صورت گرفته در سطح استان در سال ۱۳۷۶ نرخ بی‌کاری را حدود ۱۹ درصد اعلام کردند.

تعداد متقاضیان کار در فاصله زمانی ۸۰-۱۳۷۶ تقریباً دو برابر شده است و از ۱۰۱۷۲ نفر به ۲۰۳۰۷ نفر افزایش پیدا کرده است، اما در این مدت تعداد به کارگماه شده‌گان نه تنها افزایشی نیافته است بلکه کاهش نیز پیدا کرده است. تعداد به کارگمارده شده‌گان در سال ۱۳۷۶، ۷۹۶ بوده‌اند ولی در سال ۱۳۸۰ این تعداد به ۷۷۰ نفر می‌رسد، البته این آمار در سال ۱۳۷۹ به ۱۶۰۷ نفر رسیده است و ناگهان در سال بعد کاهش فوق‌العاده‌ای داشته است.<sup>۱۱</sup>

ب - بخش فرهنگی: وضعیت فرهنگی استان کردستان، چندان امیدوار کننده نیست و در سال‌های پس از دوم خرداد نیز تغییرات عمده‌ای در آن حاصل نشده است. برای مثال تعداد سینماهای کردستان در سال ۱۳۷۶، ۶ عدد بوده است که در سال ۱۳۸۰ به ۴ عدد کاهش پیدا می‌کند؛ تعداد تماشاگران فیلم‌های سینمایی نیز به نسبت بالاتری کاهش را نشان می‌دهد به گونه‌ای که تعداد تماشاگران از ۴۱۸۶۴۹ نفر در سال ۱۳۷۴ به ۱۸۴۱۷۵ نفر در سال ۱۳۸۰ کاهش پیدا می‌کند. هم‌اکنون در استان کردستان فقط شهرهای سنندج و مریوان دارای سینما هستند و بقیه شهرها سینما ندارند. وضعیت نمایشگاه‌های فرهنگی - هنری و تعداد بازدیدکنندگان افزایش نسبی را نشان می‌دهد؛ در سال ۱۳۷۶، حدوداً ۱۳۶ تئاتر و ۸۱ برنامه موسیقی اجرا شده است. در حالی که این آمار در سال ۱۳۸۰ به ۵۰۹ تئاتر و ۱۵۰ برنامه موسیقی می‌رسد. شاید این افزایش از باز شدن فضای فرهنگی کردستان حکایت داشته باشد. تعداد تماشاگران برنامه‌های تئاتر و موسیقی نیز تقریباً افزایش عمده‌ای را شاهد است و از ۱۲۷۰۰ نفر تماشاگر تئاتر در سال ۱۳۷۶ به ۵۵۸۳۶ نفر در سال ۱۳۸۰ تغییر یافته است. در زمینه موسیقی نیز همین وضعیت را مشاهده می‌کنیم و از ۱۱۷۹۰ نفر در سال ۱۳۷۶، تعداد تماشاگران برنامه‌های موسیقی به ۵۴۴۴۰ نفر در سال ۱۳۸۰ تغییر یافته است. شمارگان مطبوعات محلی نیز در سال‌های پس از دوم خرداد شاهد افزایش نسبی بوده است و

از ۴۰۰۰ در سال ۱۳۷۵ به ۱۴۰۰۰ در سال ۱۳۸۰ افزایش یافته است، بر تعداد مطبوعات محلی نیز اضافه شده است و تعداد آنها از ۲ در سال ۱۳۷۵ به ۷ در سال ۱۳۸۰ رسیده است.<sup>۱۲</sup>

پ - بخش سیاسی: دوم خرداد، رویدادی سیاسی بود، اگر چه فرهنگیان و هنرمندان نقش اساسی و برجسته‌ای در به ثمر رسیدن آن داشتند و شخصیت سید محمدخاتمی نیز قبل از این که سیاسی باشد، فرهنگی است اما بالاخره این رویداد در حوزه سیاست روی داد، لذا انتظار تغییر در این حوزه بسیار است. تغییرات این حوزه را با توجه به هویت‌های ذکر شده، مورد بحث و بررسی قرار می‌دهم.

یکی از مهم‌ترین تغییراتی که پس از دوم خرداد نسبت به کردستان ایجاد شد، این بود که نگاه امنیتی نسبت به کردستان مورد انتقاد قرار گرفت. هم گروهی از مسئولین و هم پاره‌ای نخبگان و فعالان سیاسی کرد، از این رویکرد انتقادی استقبال کردند. نگاه امنیتی یکی از علل اصلی نابرابری مزایای اجتماعی در کردستان است، همین امر موجب شده بود که مطالبات و خواسته‌های کردها، همواره به مثابه پدیده‌های امنیتی نگریسته شود و به جای این که به شیوه‌ای علمی این مشکلات و مطالبات مورد بررسی قرار گیرد، با نگاه امنیتی مانع از برخورد و مواجهه درست با این پدیده گردد. پس از دوم خرداد نگاه امنیتی دگرگون گشت و برای مدتی شاهد بحث‌هایی جدی در این زمینه بودیم. برخی از نشریات اصلاح طلب تا حدودی تلاش می‌کردند به دور از نگاه سنتی مزبور به مسایل کردستان بنگرند اما به تدریج آنها نیز نگرش «شرق‌شناسانه» را جایگزین نگرش امنیتی ساختند و تا کنون نیز این نگرش بر تفاسیر بسیاری از اصلاح‌طلبان از کردستان سلطه دارد.

طرح شعار تبدیل «معاند به مخالف» را می‌توان یکی دیگر از تغییراتی به حساب آورد که پس از دوم خرداد کردستان به وجود آمد. تغییر لحن مسئولین دوم خرداد نسبت به پوزیسیون کرد خارج از کشور باعث آن شد که، موضع‌گیری‌های طرفین تا حدودی تعدیل شده و از شدت حملات لفظی بر علیه یکدیگر کاسته شود. اگر چه به صورت آشکار گام عملی برای تحقق شعار فوق در کردستان برداشته نشد اما همین تغییرات اندک و ناچیز باعث شد که احزاب کردن تفسیر مثبتی از جریان اصلاح‌طلبی داشته باشند و از تحریم انتخابات دور اول شوراها و مجلس ششم بپرهیزند و حتی مردم را به شرکت در انتخابات نیز تشویق نمایند. البته با شکست پروژه اصلاح‌طلبی، مجدداً تحریم انتخابات و موضع‌گیری‌های تند آغاز گردید.

تشکیل فراکسیون کرد در مجلس ششم نیز یکی دیگر از تغییراتی است که در فضای سیاسی پس از دوم خرداد در کردستان به وجود آمد. این فراکسیون که اعضای آن بیش از ۲۰ نفر بود تا حدودی به صورت منسجم مسایل کردستان را پیگیری می‌کردند و در موضع‌گیری‌های ملی عمدتاً با اصلاح‌طلبان هماهنگی داشتند. فراکسیون مزبور براساس مطالبات هویت سه‌گانه کردها فعالیت‌ها و

برنامه‌های خود را سازمان می‌داد، از یک سو نسبت به عزل و نصب مدیران مناطق کردنشین، گاهی واکنش‌های حتی تند نیز از خود نشان می‌دادند و عمده تلاش آنها بر این بود که مدیران مناطق کردنشین بومی یعنی «کرد سنی» باشند، آنها برای تحقق این خواسته خودگاه تا مرز استعفا نیز می‌رفتند. از سوی دیگر فراکسیون کرد نسبت به سرنوشت کردها در کشورهای دیگر نیز بی‌تفاوت نبود و در این زمینه نیز فعالیت‌های منحصر به فردی داشت، از جمله می‌توان به نامه‌هایی اشاره داشت که فراکسیون برای کوفی عنان دبیرکل سازمان ملل متحد و پارلمان اروپا فرستاد و در آن نامه‌ها به مسایل کردستان ترکیه و عراق پرداخته بودند.

کردها پس از دوم خرداد، فرصت را فراهم یافتند تا هویت سوم خویش را نیز پرورش دهند، لذا پس از دوم خرداد شاهد ترجمه و تالیف کتاب‌های متعدد دینی بوده‌ایم که در آنها مبانی ارزشی اهل تسنن مورد بررسی بوده است در سال‌های اخیر تیراز این گونه کتاب‌ها رو به افزایش داشته و چند مرکز انتشاراتی به صورت فعال وارد صحنه شدند تا آثار نویسندگان سنی را منتشر نمایند. جنبش دانشجویی در سال اخیر نقش برجسته‌ای در تحولات سیاسی داشته است، این جنبش به همراه گروه‌های دیگر اجتماعی چون زنان، جوانان و اقوام در بروز و ظهور دوم خرداد بسیار مؤثر بودند و پس از آن نیز به صورت فعال در صحنه سیاسی حضور داشتند و در این راه هزینه‌های فراوانی را پرداختند. دانشجویان کرد نیز در چنین فرصتی، امکان فعالیت یافتند و توانستند به شیوه‌ای نه چندان مسنجم و منظم، برنامه‌های کاری خویش را پیش ببرند. دانشجویان کرد عمدتاً به هویت کردی دلبستگی دارند (هویت دوم) و حضور پررنگ آنها به زمانی برمی‌گردد که رهبر حزب کارگران کردستان ترکیه - عبدالله اوجیلان - دستگیر شد، در آن زمان، دانشجویان کرد راهپیمایی و همایش‌های متعددی را برگزار کردند و به تدریج گروه‌های دانشجویی کرد، ضرورت کار جمعی را در دانشگاه‌ها گوشزد کردند.

ایشان برای تحقق آرمان‌های خویش دست به انتشار نشریات مختلف در دانشگاه‌ها زدند به طوری که حدوداً ۲۵ نشریه پس از دوم خرداد توسط دانشجویان کرد منتشر گردید که اکثر آنها نوعی ناسیونالیسم فرهنگی را ترویج می‌کرد و به سرنوشت کردها در خارج از مرزهای ایران علاقه نشان می‌دادند. در کنار انتشار نشریات مختلف، برگزاری همایش‌هایی از جمله همایشی به مناسبت سالگرد بمباران شیمیایی حلبچه و سپس همایش علمی در زمینه زبان و ادبیات کردی در دستور کار دانشجویان کرد قرار گرفت و در دانشگاه‌های مختلف دانشجویان کرد به سهم خود نسبت به برگزاری این گونه سمینارها اهتمام ورزیدند. هر چند که در سال‌های اخیر برگزاری این گونه همایش‌ها با محدودیت‌هایی مواجه بوده است ولی برخی از نمایندگان کرد که با دانشجویان ارتباط



بیشتری دارند از دانشجویان برای انجام این همایش‌ها حمایت نموده و در جلسات آنها حضور به هم رسانده‌اند.

به طور خلاصه در فضای سیاسی پس از دوم خرداد هویت‌های سه‌گانه کردها امکان فعالیت بیشتری یافتند و با محدودیت کمتر مواجه شدند.

تغییر دیگری که مردم کردستان پس از دوم خرداد شاهد آن بودند، حضور مدیران کرد در رده‌های میانی مدیریت استان بود. این تغییرات در نهادهای سیاسی و آموزشی بازتاب بیشتری داشت. حضور کردهای سنی در حد معاونت استانداری‌های آذربایجان غربی و کردستان، فرمانداری و ریاست آموزش و پرورش چند شهر نیز از تغییراتی است که یکی از مطالبات کردهایی است که بر مبنای هویت اول، خواسته‌های خویش را ابراز نمودند.

به طور کلی، از آنجایی که دوم خرداد در کلیت خود یک جنبش سیاسی بود در حوزه سیاست تعمیرات بیشتری را موجب شده است، البته نباید این نکته را نیز از نظر دور داشت که مطالبات کردها نیز عمدتاً در همین حوزه است و در نتیجه شاهد سیاسی‌تر شدن جامعه کردی بوده‌ایم، هر چند که مطالبات عادی مردم کمتر سیاسی است اما تغییرات پس از دوم خرداد سیاسی را در برگرفته است.

## یادداشت‌ها:

۱. حسین بشیریه، *دباج‌های بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، نشر نگاه معاصر چاپ اول، ۱۳۸۱، ص ۱۳۰

۲. پرویز پیران و دیگران، *انتخاب‌نو (تحلیل‌های جامعه‌شناسانه واقعه دوم خرداد)*، طرح نو، چاپ اول ۱۳۷۷، صص ۶۹-۱۷

۳. برنامه پنج ساله سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی استان کردستان، ص ۷۷

۴. سالنامه آماری استان کردستان در سال ۱۳۸۰، ص ۲۳۸

۵. حساب‌های اقتصادی استان کردستان ۱۳۷۹، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کردستان تاریخ انتشار اسفند ۸۱، صص ۸۰-۷۹

۶. همان ص ۸۱

۷. اندازه‌گیری و تحلیل خط فقر در استان کردستان، مجری منصور کیانی، زمستان ۸۱، مقدمه

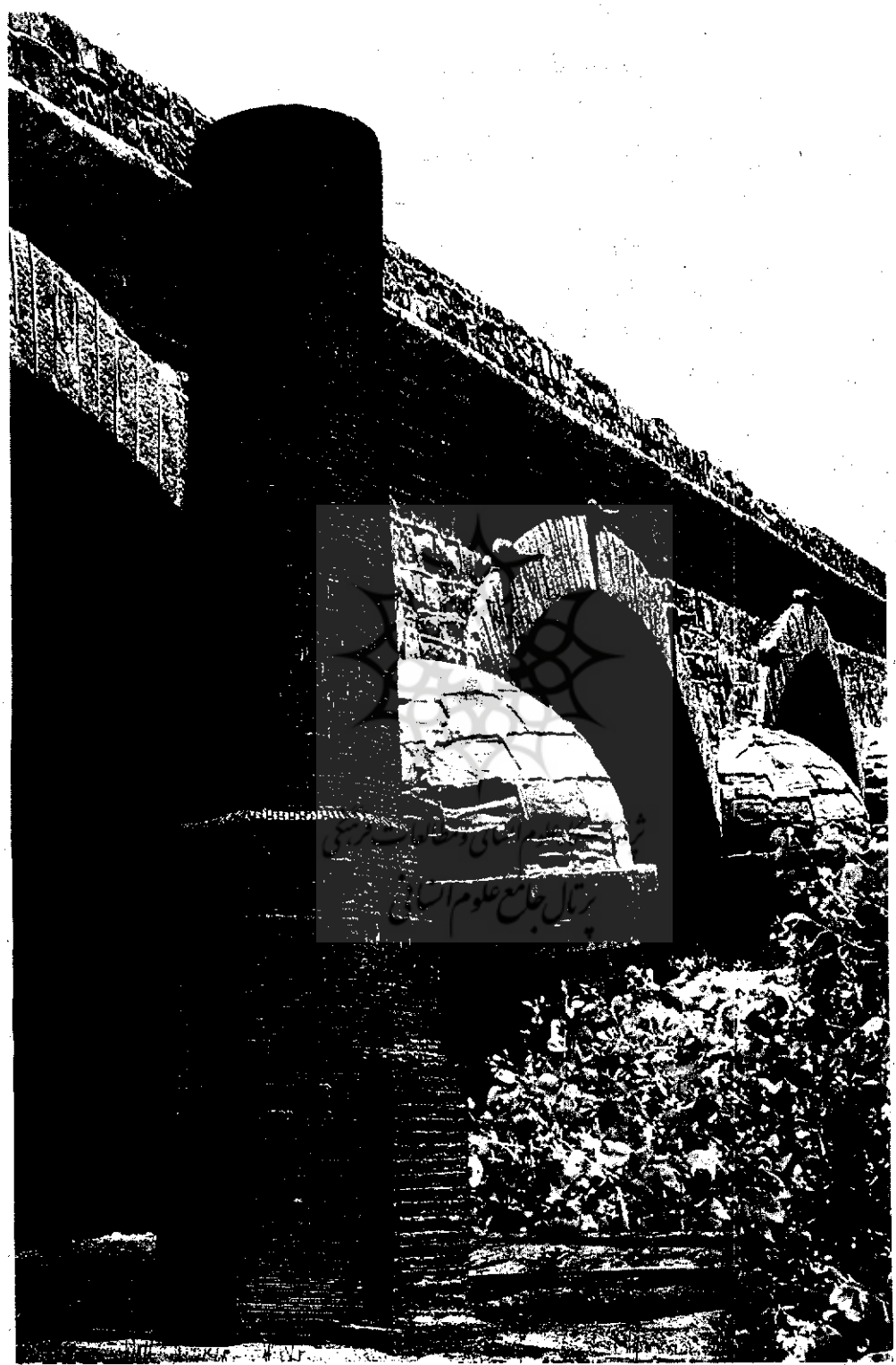
۸. سالنامه آماری استان کردستان، ص ۲۳۱

۹. برنامه پنج ساله سوم توسعه اقتصادی، ص ۲۳۱

۱۰. حسین عظیمی، *مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران*، نشر نی، چاپ سوم ۱۳۷۳، ص ۹۶

۱۱. سالنامه آماری استان کردستان، ص ۱۴۴

۱۲. همان صص ۵۲۸-۵۲۵



پایه جامع علوم اسلامی  
پایه جامع علوم اسلامی